

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است



شماره ۷ بهار ۵۰ ریال
نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

فشاریه خبری

انجمن رهایی زن

«روز جهانی زن» از دیدگاه نیروهای سیاسی

روز جهانی زن (۱۷ اسفند) امسال در غیاب حرکت فعال توده زنان سپری گشت و سازمانهای سیاسی هر کدام به فراخور درك خود از مسائل زنان اشاره ای به آن نمودند و بیست نیست با هم نظری به تعدادی از آنها بیافکنیم: سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) در ویژه نامه روز جهانی زن، مقاله ای تحت نام «بررسی کوتاهی از مبارزات دمکراتیک دو ساله زنان» بدرستی اشاره میکند که اغلب سازمانهای زنان که بعد از انقلاب تشکیل شدند، بیشتر بعنوان سازمانهای جنبی سازمانهای سیاسی بودند و متأسفانه در طی این مدت نتوانستند به وظیفه بسیج زنان در عرصه مبارزات دمکراتیک بپردازند. و بدین ترتیب بر اهمیت و ضرورت مبارزات مستقل زنان تأکید می گذارد. ولی در همان مقاله واکنش زنان در مقابل صدور فرمان حجاب اجباری در تیرماه ۱۳۵۹ را ناشی از «عقب ماندگی عمیق فرهنگی» و «متأثر از ظواهر» میدانند و تلویحاً بر عدم حمایت نیروهای مترقی از حرکت زنان صحه میگذارد. بدیهی است که سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) این مطلب را درك نمی کند که حجاب اجباری به اندازه دیگر اجحافات به حقوق زنان در جمهوری ننگین اسلامی از قبیل سلب حق طلاق، تعدد زوجات، بقیه در صفحه ۴

روز جهانی زن یا «روز زن» جمهوری اسلامی؟

پس از ۷۰ سال که جنبش مترقی و انقلابی جهان روز ۱۷ اسفند را به نام زنان ستم دیده و زحمتکش گرامیداشت و پس از مبارزات پیگیر که برای رهایی زنان از قید ستم و استثمار جامعه طبقاتی صورت گرفت رژیم جمهوری اسلامی از واهمه آنکه مبادا بزرگداشت این روز توسط نیروهای آگاه ایران وسیله ای دیگر برای خود آگاهی توده ها گردد، ۱۷ اسفند را بی اعتبار دانست و بجای آن «روز زن» جدیدی آفرید. و بدین ترتیب سعی در انحراف افکار توده ها و محکمتر کردن پایه های انحصار طلبانه خود نمود. بخیال آنکه میتوان توده ها را فریب داد. باید به اینان گفت عظمت و اعتبار «روز جهانی زن» برای ما اتفاقاً به علت «بی اعتبار» بودن آن از جانب شما و دیگر رژیمهای سرکوبگر میباشد. برای ما «روز زن» فرمایشی جمهوری اسلامی همانقدر بی اعتبار است که «هفته دی» آریامهری.

روز ۱۷ اسفند (۸ مارس ۱۹۰۸) روزی بود که صدها زن کارگر در یکی از کارگاههای ریسندگی شهر نیویورک برای بدست آوردن ۱۲ ساعت کار روزانه و اضافه دستمزد دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با حمله وحشیانه ارتجاع روبرو و منجر به کشته شدن چند زن کارگر بقیه در صفحه ۷

ازدواج شناسی

همزمان با "روز جهانی زن"، هفته‌ای که نیروهای آگاه و مترقی در دیوار شهر را با پوستر و اعلامیه‌های مختلف، بمنظور بزرگداشت مبارزات زنان ستمدیده ایران و جهان پر می‌کردند سردمداران جمهوری اسلامی نیز مفهوم "مقام والای زن" را با نسب اطلاعاتی بزرگ و رنگارنگی که به "آگهی مناقصه" بیشتر شباهت داشت تا "اطلاعیه" در اطراف شهر به نمایش گذاشتند. ما یکی از این "اطلاعیه"ها را بصورت کامل در این جا نقل می‌کنیم تا سندی دیگر از دور متحجرانه حکام جدید را در مورد مسئله ازدواج ارائه دهیم و نشان دهیم که چگونه خرید و فروش زنان و دختران را در جامعه رواج می‌دهند.

اطلاعیه پسر از ذکر آیاتی از قرآن مجید و نشانی های شعبات دهگانه بنیاد ازدواج بشرح زیر از قول "خواستگار" خطاب به والدین غریب! نوشته شده است:

"... بدان و هشیار باش... ای پدر دختر...
... بدان و هشیار باش... ای مادر دختر...
... من به کمک بزرگ شما احتیاج فوری دارم. جوان هستم و از سن بلوغم چند سال گذشته است. طبق قانون بشریت نیاز به همسر و شریک زندگی دارم تصمیم گرفته‌ام بر مبنای احکام مذهب اسلام و سنت پیغمبرم حضرت محمد بن عبدالله و با تعهدات متقابل انسانی و شرافت - مندانه با نظارت مستقیم بنیاد و نهاد انقلابی ازدواج، ازدواج کنم. مشخصات کامل خود را بطور مشروح و با شماره رمز (....) همراه با آدرس و معرفیهای متعدد و خصوصیات همسر ایده‌آلم بدفتر بنیاد ازدواج (خیابان مولوی انرسیده به میدان قیام پلاک ۱۵۰۴ شعبه خندق آباد) اعلام کرده‌ام.

من چون مرد بودم از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر مراجعه کردم و پسر از تکمیل فرم جهش تشکیل پرونده سه قطعه عکس و دو برگ فتوکپی

شناسنامه و گواهی اشتغال بکار تحویل داده در مقابل يك شماره رمز مخصوص دریافت نمودم. اما چون فرزند شما دختر است فقط میتواند در ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح یکی از روزها او را نزد خانم مسئول امور بانوان در این شعبه بنیاد ازدواج برده و مشخصات خود را در فرم تکمیل نماید و هم چنین خصوصیات همسر ایده‌آلش را در فرم محرمانه شرح دهد (عکس و فتوکپی شناسنامه را حتما همراه ببرید).

شاید به تشخیص گروه تطبیق این بنیاد و خواست پروردگار متعال قسمت من با دختر شما باشد و قرعه فالش در گردونه تقدیر بنام من اصابت کند...؟! (علامت‌ها در متن اصلی گذاشته شده است؟)

اطمینان و یقین دارم اسم و رسم دختر شما را تا آخرین مرحله توافق نهایی با من و یاهر یک از برادران جوان هموطنم کاملاً شرعاً و محرمانه نگه خواهد داشت و با شماره رمز مخصوص بمن نشان خواهند داد مگر زمانیکه توافقیهای اولیه صورت گرفته و او با خطبه عقد انشاء اله... و صد انشاء اله... محرم و حلال یکی از ما جوانان گردد. آنها تحقیقاتی در حد امکاناتش را جمع‌بمن کرده‌اند... و البته شاید مشابه آنرا در مورد شخصیت و عفت و تقوای همسر آینده من و خانواده و رفتارش بنمایند و نتیجه را همراه با مدارک جمع‌آوری شده در بایگانی محرمانه بنیاد ضبط تا هنگام تطبیق خصوصیات ما با یکدیگر و یا پاسخ نهایی به متقاضی بآنها توجه نمایند اما در هر حال این ما هستیم که باید بمسئولیت خود و خانواده‌هایمان تصمیم نهایی را بگیریم و از هنگام قرائت خطبه عقد به بعد هیچ مسئولیت در زمینه گذشته‌ها و حال و آینده ما و روابطمان با یکدیگر بمعده مسئولان بنیاد ازدواج نخواهد بود. و آنها فقط نقش ارشادی خواهند داشت. اگر دخترتان جهیزه ندارد نگران نباشید اولاً من احتیاج به جهیزه دختر شما ندارم چون

تعیین کنند. ولی تاسیس بنیاد ازدواج و صدور اطلاعیه‌های اینچنینی راه را برای پسران و مادران ناآگاهی که دختران خود را در نوجوانی بدام ازدواج اجباری گرفتار میکنند (در واقع میفروشند) باز میکند، زیرا از طریق این شیوه پسندیده این عمل هم قانونی و رسمی خواهد بود و هم انقلابی! جالب اینجاست که در این اطلاعیه صریحا نیز اعلام میشود که پس از عقد و ازدواج مسائل مربوط به "گذشته‌ها و حال و آینده" طرفین به مسئولیت خود طرفین است، نه بنیاد ازدواج، زیرا آنها فقط "نقش ارشادی خواهند داشت". یعنی آنکه "ای پدر دختر" و "ای مادر دختر" اگر دامادتان ناگهان چاقوکش او باشد و یا هرجیز دیگری از آب درآمد و هر بلایی که سر دخترتان آورد، به عهده بنیاد ازدواج نیست، این را از همین حالا بدانید.

ما نه تنها این شیوه ازدواج را محکوم میکنیم بلکه وجود چنین موسساتی با خیال اعضای حقوق بگیر آن را بار دیگری بر دوش رحمتکشان جامعه میدانیم. تنها ازدواجی ضامن بقای سلامت جامعه خواهد بود که بر مبنای انتخاب آگاهانه و آزاد انسانها انجام گیرد، نه بر اساس قرعه کشی بنگاه ازدواج شانس.

با پوزش بعثت حجم مقالات در این شماره بخش سوم مقاله "کارنامه جمهوری اسلامی" را به بعد موکول میکنیم.

گوهر عفت او برای من میلاردها ارزش دارد که عظ خبرانش را (نه مهریه سنگین) بلکه بسا صداقت و صفا و صمیمیت و با قوت بازو و عرق جبین پاسخ خواهیم داد. در ثانی شاید (آدمهایی خیر و متعین) فراوان باشند که از طریق همان بنیاد ازدواج نیاز احتمالی اولیه ما را برای آغاز یک زندگی ساده و بی آلیش برآورده سازند. و هدیه ازدواجمان را توسط بخش هدایای شعبه خندق آباد بنیاد ازدواج برای جشن ما بفرستند.

پیشنهاد دیگرم این که اگر دختری از خانواده شما قبلا ازدواج کرده و بعلتی موجه از شوهرش جدا شده و فعلا بیوه میباشد او را برای برادرم که شرایط مشابه داشته و از همسرش جدا گردیده (از طریق بنیاد) خواستگاری خواهیم کرد و به این ترتیب دو نفر دیگر از بی سامانی در خواهند آمد. در ضمن اگر خواستید من یا هریک از برادرانم را از نزدیک ببینید میتوانید همه هفته روزهای جمعه از ساعت ۹ صبح بمسجد خندق آباد واقع در مولوی نرسیده به میدان قیام تشریف بیاورید و ما را که در کلاس آموزش رایگان ایدئولوژی اسلامی و اصول عقاید شیعه و تفسیر آیات قرآن کریم ثبت نام کرده ایم رویت بفرمایید! (علامت‌های تعجب در اصل اطلاعیه بوده است!)

در این کلاس که به مناسبت افتتاح شعبه شماره ۱۰ بنیاد ازدواج (بنام خندق آباد) در دومین سالروز پیروزی انقلاب (بیست و دوم بهمن) آغاز گردیده حداقل بمدت چهل جلسه در زمینه تعلیم و تربیت و بهداشت خانواده توسط استاد دکتر حسین هوشمند آرین و هم چنین حجت‌الماسلام استاد دکتر میرباقری تدریس و به سئوالات خواهران و برادران پاسخ گفته میشود.

"خواستگار متقاضی ازدواج اسلامی

مجرد"

مخاطب این اطلاعیه همانطور که پیداست پدر و مادر دختر میباشد و نه خود او. کسه البته چیز تازه‌ای نیست و در تفکر حاکم همیشه پدر و مادر سرنوشته دختران را باید

روز جهانی زن از دیدگاه...

و صیغه، پایین آوردن سن ازدواج، سلب حق قضاوت، مهم است. اینکه زنان در این مورد واکنش شدیدتری نشان میدهند به این علت است که این اجبارها مانند تحریک مردگان، اینبار حداقل هفته‌ای ۶ روز و روزی ۸ ساعت بر فرق سر آنها سنگینی کرده و معیار سنجش لیاقت آنها برای کار کردن در ادارات و کارخانه‌ها است. یعنی این نه نیاز، استعداد، کارایی و لیاقت یک زن بلکه وجود یک تکه پارچه است که حق کار کردن و نان درآوردن او را تعیین می‌کند. درک نکردن ابعاد این مسئله "اقلیت" را بر آن میدارد که واکنش زنان را نسبت به آن بیانگر "عمق عقب ماندگی فرهنگی" بداند!

نکته کلیدی و اساسی این مسئله چنین است
اولاً: عدم برخورد عملی و قاطعانه به مسئله "حجاب اجباری" (و هر مسئله تحمیلی دیگری) از عنصر تمکین برخورد اراست و ما معتقدیم که زن ایران بهیچ شکل و تحت هیچ شرایطی نباید در مقابل هر گونه تحمیلی تمکین کنند. (هر چند که مسئله چندان هم عظیم نباشد). دوم: اینکه: فرم و ظاهر لباس هر فردی مسئله‌ای شخصی است، و از ابتدائی ترین حقوق انسانی به حساب می‌آید. سلب این حق، عمق اسارت زنان را نشان میدهد. سوم اینکه: لزوم حجاب برخاسته از تفکری خاص است. تفکری طبقاتی و مردسالارانه که موجودیت زن را تا حد یک کالای تزئینی سر بسته و وسیله‌ای برای ارضاء خواسته‌های جنسی مرد تنزل میدهد و در واقع پتانسیل‌های اجتماعی او را به مثابه یک انسان نفی میکند. بنابراین به نظر ما هیچ توضیح دیگری در مورد لزوم حجاب زنان وجود ندارد و اظهارات دیگر همگی توجیه مسئله است. به اعتقاد ما مسئله حجاب نمودار بارز و نقطه کلیدی این تفکر است و بر سر مبارزه با "حجاب اجباری" نه از جهت مبارزه با پارچه روسری (یعنی "متأثر از ظواهر") بلکه از جهت مبارزه با تفکر نهفته در پشت آن (یعنی متأثر از محتوای آن) می‌باشد. باز بنابر اعتقاد ما هر نیروی آگاه و متعهدی که به عمق مسئله حجاب

نیاندیشد، در واقع درک درستی از مسئله ستم و استثمار زنان ندارد.

سازمان مجاهدین خلق ایران، بزرگترین سازمان سیاسی اپوزیسیون، تا بحال در مورد پایمال کردن حقوق زنان و بخصوص لایحه قصاص آخرین دست پخت زعمای جمهوری اسلامی، سکوت اختیار کرده است و تا کنون فقط جزوه کوچکی بنام "زن در مسیر رهایی" منتشر نموده که مسائل زنان ایران را در مقطع کنونی بدون جواب می‌گذارد... و بدین ترتیب این مسئله حادث اجتماعی را مردسالارانه "زیر سبیلی" در میکند.

سازمان مجاهدین تا زمانی که برخورد مشخص به مسائل امروز زنان ایران نداشته باشد و بطور فعال در مبارزات آنان شرکت نکند و نظرات و رهنمودهای خود را اعلام ندارد، انتشار جزوه "زن در مسیر رهایی" عملی فرمالیته بیش نخواهد بود که مفاهیم را در قالب حرف و شعار نگه می‌دارد.

سازمان مجاهدین این بار هم کوچکترین اشاره‌ای به "روز جهانی زن" نمیکند، کوتاهی‌سی سازمان مجاهدین بطور حتم برای بخش بزرگی از اعضای آن نیز مورد سؤال است. و اگر تاکنون مسأله عمده‌ای نشده باشد، بزودی گریبان آن سازمان را خواهد گرفت. ما از مجاهدین خلق که سالروز "پیروزی رفاندوم جمهوری اسلامی را گرامی میدارند" (نشریه مجاهد شماره ۱۱۵، پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۰)، می‌خواهیم که نظرات خود را در مورد مسئله زنان و حقوق زنان در قوانین اسلامی بخصوص در مورد زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک زنان در جمهوری اسلامی، رسماً اعلام دارند.

سازمان سیاسی دیگری که نظرات خود را درباره روز جهانی زن منتشر ساخت سازمان پیکار بود که در نشریه "پیکار" شماره ۹۶ خود، ۱۷ اسفند را به نام "روز بین‌المللی زنان کارگر و زحمتکش" گرامیداشت. البته در اهمیت روز ۱۷ اسفند برای زنان زحمتکش سخنی نیست و در اینکه مناسبت این روز نیز بدلیل مبارزات زنان کارگر میباشد باز سخنی

نیست، و بار همه در این اعتقاد که زنان کارگر تحت ستم و استثمار دولایه سرمایه داری قرار دارند نیز مشترکیم. ولی مسئله ستمی که در طول تاریخ نسبت به زنان اعمال میشود از مرز طبقات نیز عبور میکند و شامل بخش بسیار عظیمی از احتیاج جهانی زنان میگردد. با این تفاوت که زنان زحمتکش از سهم بیشتری از این احکافات برخوردار میباشند. بیانات "پیکار" بطور کلی این مسئله را نفی میکند و با ابراز اینکه روز جهانی زن "روز بین المللی زنان کارگر و زحمتکش است" در واقع همه جانبه بودن مسئله زنان را نفی میکند و این نفی تلویحی بطور آشکاری در مقالات "پیکار" خود را نشان میدهد. گمانیکه به بیاناتی چون "پیکار" معتقدند باید در برخورد با واقعیتهای تلخ زندگی اجتماعی زنان غیر کارگر (ویژه در ایران) تعابیر و تفاسیر جدیدی برای آن پیدا کنند. برای نمونه - محروم کردن قضات زن از کار و همچنین اخراج دانشجویان دختر دانشکده حقوق (که محتملاً زحمتکش هم نیستند)، بیرون راندن بیش از صد هزار زن از ادارات، کارخانجات و موسسات (که فقط بخشی از آن کارگر و زحمتکش هستند) بیورش و حبسانه به خوابگاههای دخترانه (قشرا دانشجو)، تحصیل حجاب اجباری در ادارات... محروم کردن کلیه زنان از زندگی سیاسی - اجتماعی توسط قانون اساسی، طرح قوانین مردسالارانه در مورد خانواده - ازدواج - طلاق... و بالاخره "شاهکار" بی نظیر قصاص که در آن تفاوتی بین زن کارگر، زن دانشجو، زن کارمند زن خانه دار زن دهقان و... نمی گذارد و بالاخره مشتق دیگر از این نوع احکافات را چگونه باید پاسخ داد؟ آیا این احکافات بر سر کسانی نیامده است که کلاً زن هستند؟ آیا بخاطر جنسیت آنها نیست؟ اگر پاسخ مثبت است، پس تمام این حق کشی ها را باید در چهار چوب "مسئله زن" بررسی کرد. و باید اذعان کرد که تمامی زنانیکه شامل این نوع تحمیل هستند بنوعی تحت ستم قرار دارند و آنوقت طبقات یا اقشاری را که بیشترین سهم از این

حق کشی ها را متحمل میگردند به عنوان تحت ستم ترین بخش اجتماعی (نه تنها بخش آن) متمایز نموده و بدرستی اظهار کنیم این لایه ها بحق پرچمدار مبارزات زنان تا نهایت آن میباشند. باید متذکر شد که این تحت ستم ترین بخش اجتماعی پیوسته تحت استثمار ترین لایه های اجتماعی یعنی از توده زحمتکش نیز میباشد. اهمیت نقش تاریخ ساز زنان کارگر در مبارزات اجتماعی مفهوم نفی نقش تعیین کنندگان زنان دیگر اقشار نیست. ابرازاتی چون این (بیانات پیکار) نهایتاً به آنجا میرود که در لحظاتی چون امروز که زنان زحمتکش ما به خود آگاهی نرسیده اند و به عمق اسارت خود پی نبرده اند کار مشخص بر روی مسئله زنان نفی میگردد. زیرا زنان اقشار دیگر (مثلاً روشنفکران) مشغول ستم زنان نمیگردند.

مقتضای این "پیکار" بر پاره ای از احکافات رژیم جمهوری اسلامی بر زنان اشاره میکند، بدون اینکه در این اشارات سخنی از حجاب اجباری بر میان آورد، و چنین می نمایند که این مسئله به زنان زحمتکش ما که در ادارات و کارخانه ها به فروش نیروی کار خود مشغول هستند، هیچ ارتباطی ندارد. و بدتر از آن اینکه مبارزات زنان برای احقاق حقوق خود را فقط در چهار چوب، ینش سیاسی مورد قبول سازمان خود می پذیرد. "پیکار" اگر چه معتقد است که "تنها در جامعه سوسیالیستی است که... زنان و مردان زحمتکش از حقوق مساوی برخوردارند." اما توضیح میدهد که زنان اول باید برای تحقق "جمهوری دموکراتیک خلق" مبارزه کنند و بعد برای سوسیالیزم. این هم ناگفته پیداست که "نبرد زنان برای تحقق جمهوری دموکراتیک خلق" تنها به رهبری سازمان پیکار میسر است! سازمان پیکار یکبار دیگر نشان میدهد که به مسائل زنان و حتی زنان زحمتکش که آنقدر مدعی دفاع از منافع آنان است، نه به عنوان مسائل نسبی از بشریت بلکه بعنوان وسیله ای برای بزرگ کردن سازمان خود می نگرد. "پیکار" یکبار دیگر این وعده را سر میدهد که با آمدن سوسیالیزم تمام مسائل زنان حل خواهد شد

بشرطی که در این مقطع زنان به حرفهای او گوش بدهند و آنچه که او میگوید (تحقق جمهری دمکراتیک خلق) را انجام دهند و مابقی، بسا پیکار! اما برآستی آیا تا زمانی که زنان درون سازمانهای خود (یعنی سازمانهای صنفی - سیاسی زنان) با جهت گیری بسمت زحمتکشان، متشکل نشده و درک روشنی از خواستهها و موقعیت اجتماعی خود نداشته باشند، تحقق برابری اجتماعی ممکن خواهد بود؟

البته باید متذکر شد که این طرز تفکر فقط مختصر به سازمان پیکار نیست و بیشتر طیفی که بنام چپ می شناسیم به این طرز تفکر گرفتار است. ما در شماره های آینده سعی خواهیم نمود تا با نظرات دیگر سازمانهای سیاسی که در مورد روز زن موضع گیری کرده اند، برخورد نماییم. به امید روزی که نه تنها سازمانهای سیاسی بلکه تمامی جامعه ما درک درست و روشنی از ستم کشیدگی زن بدست آورند.

★★★★★★★★★★

اخبار

★ در وزارت کما ورزی آقای سلامتی بحرم اینکه خانمها را کارمندان باز خریدی اداره "حجاب اسلامی" را صحیح بکار نبرده است، از حقوق شوهرش معادل ۳ روز حقوق کسر می نماید. این هم نوع دیگری از "عدل اسلامی" در چهارچوب مخالفت بسا آزادی زنان.

★ در خوابگاه شماره ۱۰ دانشگاه شیراز زن جوانی که ۴ ماه حامله بوده است بعلت بیماری چندین بار به بیمارستان برای بستری شدن مراجعه می کند ولی بعلت خالی نبودن تخت های بیمارستان از بستری کردن او خودداری میکنند. چند روز بعد زن بعلت تشدید بیماری در میگذرد. این زن زحمتکش قبل از مرگ می گفته است: "من می دانم که تخت خالی فقط برای ما فقیر و فقراست که وجود ندارد آنهم چون پولی در بساط نداریم." (این خبر از نشریه پیکار شماره ۹۸، دوشنبه ۲۵

اسفند نقل شده است) این واقعه ای است که امروزه با کمبود پزشکی و وسایل درمان و فقر روز افزون مردم در سراسر کشور ما چه در شهرها و چه در دهات هرروزه اتفاق می افتد. قربانیان این وقایع که عمده زنان بیگانه میهن ما هستند، بعلت کمبود وسایل بهداشت و ضعف جسمانی ناشی از فقر قربانی طبیعی ترین عملکرد جسم خود یعنی زایمان میشوند. برای اجتناب از وقوع چنین فجایی، زنان باید از درمان و وسایل بهداشت رایگان در هنگام بارداری برخوردار باشند و در صورت شاغل بودن باید بتوانند از مرخصی با حقوق استفاده نمایند. در صورت عدم تحقق این خواست بر حق زنان، مسئول مستقیم اینگونه جنایات اجتماعی، مرجعی جز دولت مکتبی جمهوری اسلامی نخواهد بود.

★ در اواسط فروردین ۵ نفر زن را بسدود ارائه دلائل مشخصی از وزارت بهداشتی اخراج کردند. در همین مدت نیز زن دیگری را بعلت خنده (!) در یکی از جلسات دانشگاه تهران اخراج نمودند.

★ روز یکشنبه ۳۰ فروردین، زندانیان سیاسی بند زنان زندان... پس از ۲۲ روز اعتصاب غذا وارد اعتصاب خشک شدند. خواسته های عمده این مبارزان چنین است:

- ۱- جدایی بند فاحشه ها و جنایتکاران از بند آنان.
- ۲- گذاشتن رادیو، کتاب، روزنامه در اختیار آنان.
- ۳- رسیدگی به پرونده های آنان.

مبارزاتشان پیگیرتر باد!

★ بعد از استعفای معاونت دانشگاه تهران در اواخر فروردین آقای افروز معاونت جدید دانشگاه را بعهده میگیرد و اولین دستوری که صادر میکند جدا کردن اطاقهای کارمندان زن از کارمندان مرد میباشد.

★ اخبار زیر نمونه هایی از فساد رو به رشدی است که در این جامعه وجود دارد. جنایاتی که قربانیان مستقیم آن زنان میباشند و جنایاتی که برای انتخاب قربانیان خودبیر و جوان نمی شماسد. ما با نقل یکی دو مورد از

"روز زن" جمهوری اسلامی...

گردیده. بلافاصله بعد از آن کارگران سراسر آمریکا به پشتیبانی از این مبارزات دست به اعتصاب سراسری زدند. دو سال بعد جنبش انقلابی جهان این روز را به نام "روز جهانی زن" اعلام کرد.

اعتبار "۱۷ اسفند" برای زنان جهان به لحاظ برخورداری او ویژگیهای زیر است:

- ۱- این روز به مناسبت مبارزات زنان کارگر انتخاب گردیده و اهمیت آن نیمه دلیلی عنصر مبارزاتی آن میباشد، که خود به مبارزات زنان اعتبار میبخشد.
- ۲- دیگر آنکه این روز به دلیل مناسبتش برای زنان کارگر و زحمتکش اهمیت ویژه دارد. و تایید آن از طرف زنانی که برای رهایی زنان زحمتکش مبارزه می کنند مفهوم مییابد. و این تایید حرکتی جهانی است. نفی این روز در واقع نفی اعتبار کردن مبارزات زنان زحمتکش و پایمال ساختن دستاوردهای آنان میباشد. انتخاب روز دیگری به نام "روز زن" آن هم نه از طرف زنان ایران، بلکه از طرف رژیم حاکم حرکتی فرمایشی و توهین آمیز است. جالبتر آنکه راهپیمایی روز ۵ اردیبهشت نیز از طرف وزارت آموزش و پرورش اداره میشود! خوب، طبیعی است در جامعه ای که زنان باید در کنج خانه بنشینند "روز زن" فرمایشی آن را مردان وزارت آموزش و پرورش باید اداره کنند! بهر حال برای ما که ماهیت و عملکردهای رژیم حاکم بوضوح روشن است "روز زن" اختراع آن و راهپیمایی فرمایشی نیز شناخته شده و بنا بر این محکوم میباشد.

این وقایع همه روزه نشان میدهند که ادعای مبارزه با فحشا را دارد چگونه در برابر این جنایات سکوت کرده و حتی جیره خو-ارانش نیز از عاملین همین جنایات میباشد.



★ در اواسط فروردین ماه، راننده کامیونی در راه ورامین - تهران به زن ۷۰ ساله ای که راهی تهران بوده تجاوز کرده و مبلغ هزار تومان که همراه زن مزبور بنوده است ربوده و زن را بیهوش کنار جاده رها میکند. پلیس راه جسم نیمه جان زن مزبور را به بیمارستان امام خمینی منتقل نموده که تحت عمل جراحی قرار گرفته است و تمام اندام داخلی زن را خارج نموده اند.

★ دو هفته پیش کمیته یک زن و دو مرد را به اتهام شرابخواری دستگیر و پس از مدتی بازجویی و نگهداری در محل کمیته، مردها را آزاد و زن را نگه میدارند. یکی از دو مرد که شوهر زن بوده است با این حرکت مخالفت میکند و درخواست میکند او را بجای زنش نگه دارند و زنش را رها کنند. ولی افراد کمیته با این خواست مخالفت کرده و مرد را بخانه میفرستند و به او میگویند روز بعد برای بردن همسرش بازگردد. ولی روز بعد مرد بیچاره هنگامیکه باز میگردد اثری از زنش نیابد و پس از ساعتها جستجو جسدش را در نقطه ای دور پید میکند. بعدا معلوم میشود که زن را پس از تجاوز از ترس اینکه افشاء بشوند کشته اند.



تخریب خانه‌های زحمتکش‌شان

زمین با آب و برق میدیم بنسازید ولی بخدا دروغ میگن مگر ما مرض داریم یا از درد سر خوشمون میاد که قبول نکنیم. خلاصه بگم که همین چهار دیواری رو پاسداران مثل ساواکیها ریختند و خراب کردند و الان با چندتا بچه تنها هستیم و شوهرم زندانی است.

تا سه‌شنبه عصر بهمون مهلت دادند که از اینجا بریم وگرنه بیرون میاندازنمون. ماهم مگر جنازه‌مون رو ببرن. ما دیگه جون بیسه لبمون رسیده و از اینجا تگونی نمیخوریم. پدر سوخته‌ها میگن با بنز میرن سر ساختمان. همشون بسارو بفروشد. خدا شاهده اینطوری نیست بیشتر کسانی که اینجا خونه درست کردند بدبخت و بیچارن. دو سه‌تا بسازو بفروش هم هستن که پاسدارها هم اونها رو خوب میشناسن ولی اگه راست میگن چرا فقط اونهارو دستگیر نکردند و اومدن خونه ماها رو خراب کردند. زنهای دیگه میگفتند شوهرهای مارو هم ببردن زندان و ما با بچه‌هامون هستیم و هیچکس بفکر ما نیست.

زن دیگه‌ای میگفت: "خانم اگر زیاده اینجا وایستید پاسدارها میگرنتون و زندانی‌تون میکنند."

مردی میگفت: "امروز بعد از ظهر منو آزاد کردند که پیام آهن و دروینجره اطاقم رو از اینجا ببرم چون قراره عصر بیان و همدا اینجا رو خراب کنند."

پرسیدم حالا کجا میرین؟ گفت: "این همه آواره هستند بکیش هم ما."

بله! واقعیت همین است که میلیونها نفر از هموطنانمان آواره‌اند.... بی‌خانمانند، و اگر بتوانند با تحمل زجر و مشقت بسیار چهار دیواری کوچکی دست و پا کنند... باز هم بی‌خانمانند، زیرا که خانه‌هایشان با فرمان پاسداران بر سرشان فرود میاید. واقعیت زندگی زحمتکش‌شان ما بعد از دو سال حکومت "مستضعفین" همین است.

صبح روز جمعه ۲۸ فروردین ماه جاده اتوبان تهران - کرج بوسیله عده‌ای از اهالی بی‌خانمان شده "گرم‌دره" بسته شد. قضیه از این قرار بود که پنجشنبه ۲۷ فروردین حدود ساعت ۱۱ شب پاسداران کرج با چندین بولدوزر به "گرم‌دره" رفته و به مردم آنجا میگویند خانه‌هایتان را خالی کنید والا آنها را خراب میکنیم. مردم هم مقاومت کرده و میگویند ما با خون دل این چهار دیواری را درست کرده‌ایم و از جایمان تکان نمیخوریم. با اینحال پاسداران چندین خانه را خراب میکنند و عده زیادی زیر آوار رفته و زخمی میشوند. در این حمله عنفر از اهالی کشته و ۶۰۰ نفر دیگر دستگیر میشوند. فردای آنروز مردم "گرم‌دره" با بستن جاده‌ها اعتراض خود را نسبت به این عمل پاسداران نشان میدهند. همچنین روز شنبه ۲۹ فروردین اهالی "گرم‌دره" همراه با اهالی "زورآباد" (که سال پیش طعمه همین عمل "انقلابی" شدند) و عده‌ای از اهالی کرج بمنظور اعتراض به خراب کردن خانه‌های زحمتکش‌شان تظاهرات کردند. گزارش زیر توضیحات اهالی "گرم‌دره" از جریان تخریب خانه‌هایشان توسط پاسداران میباشد.

یکی از زنان آن محل جریان را اینطور تعریف میکرد: "پاسداران به هیچ کس رحم نکردند چند نفر زیر آوار ماندند و تعدادی زخمی شدند که آنها را به بیمارستان بردند. شوهر من هم همراه عده‌ای دیگه که حدود ۲۵۰ نفر بودند دستگیر شدند و الان در زندان کرج هستند.

شوهرم شش ماه پیش بیکار شد. اون آشپز قهوه‌خونه بود. ماهم که مستاجر بودیم چون نتوانستیم کرایه خونه بدیم تمام داروندارمون رو فروختیم که ۴۰۰۰ تومان شد و ۶۰۰۰ تومان هم قرض کردیم و این چهار دیواری را ساختیم که نه آب‌دازه و نه برق و نه مستراح و آشپز خونه. میکن قبلا فرمانداری به ما گفته بهتو